



آنتینو

A T I V E H N O

صاحب امتیاز:

موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه
(تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی)
مدیر مسئول و رئیس شورای سیاست گذاری:
ابراهیم رستمیان مقدم
سر دبیر: اکبر هاشمی
نشانی: خیابان احمد قصیر، خیابان دوازدهم
شماره ۲۲، طبقه پنجم
چاپ: هنر سرزمین سبز
تلفن تحریریه: ۸۵۱۷۰۸۵-۶



«زیر پوست شهر- ۱۳۳»
«نسرین ظهیری»

اتاق مشاوره

آقای مشاور، سردش است. پاهایش را می‌چسباند به شوفاز و دست‌هایش را به هم می‌مالد. او مشاور یک مدرسه پسرانه در یکی از مناطق مرکزی شهر تهران است. اتاق آقای مشاور، رنگ‌ورو ندارد. دیوارهای یکدست خاکستری چرک‌مال شده، صندلی و میز نیم‌دار، بحران موزاییک‌های سیاه‌بخت کف اتاق، سمفونی خش و تهماندگی وکهنسالی. آقای مشاور، باریکه کاغذهای کوچک روی میزش را ورق می‌زند. همین دیروز به بچه‌ها گفته هرچه دوست دارید، توی این ورق‌ها بنویسید؛ هرچه که دوست دارید، به پدر و مادرهای‌تان بگویید؛ بی نام و بی نشان. خط بچه‌ها، سیزده‌ساله است. حروف سرگردان، میان کجی‌های کودکی‌ها و انحنای خوش‌ریخت بزرگسالی. یکی نوشته: «دست از سر من بردارید. این قدر به این نمره‌های لعنتی، گیر ندهید.» دیگری، با کلمات جادارتر و بزرگ‌تری خواسته عشقش را توی خوش خطی ناپیدایی گم کند: «باباچون! خیلی دوست دارم! خیلی خیلی خیلی، تو رو خدا زود بیا خونه. این قدر دیر نیا، دلم می‌خواد با هم دوره‌می ببینیم. هرشب دلم برات تنگ میشه. این تنها چیزیه که من از تو می‌خوام.» گرما از توی اتاق مشاوره گریخته؛ در اتاق، پر سروصدا باز می‌شود. نوجوان چهارده‌ساله‌ای می‌آید داخل. رنگ، به رو ندارد. نگاهش جمع‌وجور نیست، پراکنده؛ سرگردان میان دیوار و میز و صورت آقای مشاور. کف دست‌هایش را می‌آورد جلو. شیارها نمناک و عرق کرده، توی دست‌های نوجوان. «آقا نمی‌دونم چرا اینجوری میشه. وقتی می‌خوام امتحان بدم، دست‌هام خیلی عرق می‌کنند. الان هم امتحان کلاسی ریاضی داشتیم؛ این قدر دستم عرق کرد که ورق‌هام، خیس شد.» چهارده‌سالگی، از میان کلماتش می‌زند بیرون. کمی پشت لبش، سبز شده؛ اندکی هم جوش‌های ریز و قرمز دارد. مشاور، بلند می‌شود و چهارده‌سالگی آروین را بغل می‌کند. «اضطراب داری پسر؟» پسر می‌گوید: «نمی‌دانم. فقط قلمم تند می‌زند و توی کله‌ام، همه‌چیز قاتی‌پاتی می‌شود.» آقای مشاور می‌گوید: «اصلا نمی‌خواهد امتحان بدهی. برو با بچه‌هایی که کلاس ورزش دارند، این ساعت را بازی کن. بعدا بیا باهاش کار دارم.» نگاه وحشی پسر، اهلی می‌شود. در اتاق، با صدا بسته می‌شود. دانش‌آموزی که اجازه ورود می‌خواهد، خوشحال نیست. می‌گوید: «آقا ما هر شب عادت داریم که سگ‌مان را از ساعت نه‌ونیم تا یازده ببریم پارک شفق پیاده‌روی. یعنی سگ‌مان عادت دارد. نمی‌شود با پدر و مادرم صحبت کنید که خیلی گیر ندهند؟» مشاور می‌گوید: «موقع خوبی نیست. من هم ساعت یازده، از توی خیابان رفتن، وحشت دارم؛ تا چاه برسد به شما!» پسر، روی حرفش همچنان ایستاده. «آقا شما هم که مثل پدرم حرف می‌زنید! باید طرف من را بگیرید.» مشاور، او را حواله می‌دهد به یک روز دیگر. «حالا بذار با پدرت صحبت می‌کنم.»

نمایشگاه کتاب تهران، به مصلی باز گشت

سخنگوی شورای سیاست‌گذاری سی‌ویکمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، از تعیین نهایی مکان برگزاری این نمایشگاه و رویکرد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره این موضوع خبر داد. به گزارش خبرآنلاین، همایون امیرزاده، درباره تصمیم نهایی برای مکان نمایشگاه کتاب اظهار کرد: «محل برگزاری نمایشگاه کتاب تهران، به عنوان مهم‌ترین رویداد فرهنگی کشور و با توجه به ابعاد بین‌المللی آن، نیازمند امکانات و لوازمی است که بر اساس همین نیاز، در بیست‌ونهمین دوره نمایشگاه کتاب، تصمیم به انتقال محل برگزاری به شهر آفتاب گرفته شد. اما دوره سی‌ویکم در مصلی برگزار خواهد شد.» نمایشگاه کتاب، از ۱۲ تا ۲۲ اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۷ برگزار خواهد شد.

پلتون

جایی برای حرف‌های خودمانی

یکشنبه ۱۰ دی ۱۳۹۶ ● شماره صد و سی و پنج

A T I V E H N O



دشوارتر از جابه جاکردن کوه!

کماکان روزهای پر از رختی را در ساختمان می‌گذرانیم. زمستان و سرما، این روزهای ما را هم سرد و بی‌روح کرده است. همیشه از نالیدن و گلایه‌کردن، بیزار بوده‌ام و آن را کار آدم‌های ضعیف و ترسو می‌دانم. الان هم قصد این کار را ندارم. اما شرح‌حال این روزهای کارگران ساختمانی، همین است. چه کنیم که کار ما فصلی است؟ سرما که می‌آید، رکود بازار مسکن آغاز و ساخت‌وساز، با تعطیل یا نیمه‌تعطیل و کم‌رمق می‌شود؛ مثل ساختمان ما، که همیشه از جنب‌وجوش نمی‌افتاد و صدای ادوات و ابزار آلات ساختمانی، به گوش می‌رسید. صدای خنده و دادوبیداد بچه‌ها، همه‌جا پراکنده بود. اما این روزها، از آن همه هیاهو، کمتر خبری است. خیلی از دوستان -که به اهل شهری دیگر بودند و برای کار به اینجا آمده بودند- با این شرایط کاری، به شهر و دیار خودشان رفته‌اند. عده‌ای دیگر از دوستان هم برای کار، به آنجا امتحان کنند. عده کمی هم مثل من، اینجا مانده‌ایم و دل خوش به معدود کارهایی هستیم که هر از گاهی برای انجام‌دادن پیدا می‌شود. خب، کار ما فصلی است و نمی‌توان هیچ‌کس را مسبب و مقصر این رکود دانست؛ نه دولتمردان را، نه کارفرما، نه صاحب‌خانه و حتی نه زمستان را. به لطف تجربه‌های چندین‌ساله کارکردن در ساختمان‌های مختلف، خوب می‌دانم این روزهای کسالت‌بار، زودگذر و موقتی هستند. زمستان با همه دشواری‌ها، به پایان خواهد رسید و بهار زیبا و دل‌نشین و پرکار برای ما، شروعی فرخ‌بخش را آغاز خواهد کرد. روزهایی می‌رسد که آرزوی یک روز استراحت این‌ایام را خواهیم کرد. آن روز فرامی‌رسد که بچه‌ها، دوباره در ساختمان جمع بشوند و صبحانه کارگری باصفا‌ی‌مان، دوباره از سر گرفته می‌شود و همه‌چیز بر وفق مراد خواهد شد. بعد از چندین هفته متوالی بیکاری و کم‌کاری، این هفته، یکی از صاحبان واحدها، ساخت‌وساز را آغاز کرد. البته همان اول، با بچه‌ها به مشکل خورد. عصر دیروز بود که، سر و صدایی از داخل ساختمان بلند شد. صاحب‌خانه، از طرحی که دوستان برایش اجرا کرده بودند ناخشنود بود. حرفش این بود که، نقشه‌ای که من برای ساخت به آن‌ها دادم، با کار انجام‌شده تفاوت زیادی دارد و غیرقابل قبول است. بچه‌ها هم هرچه می‌گفتند، محاسبات نقشه شما با اندازه محل اجرا، همخوانی ندارد. به خرجش نمی‌رفت. کار داشت به شکایت و شکایت‌کنشی می‌کشید که با بچه‌ها صحبت کردم تا کار را کمی تغییر دهیم و تا حدودی به نقشه موردنظر نزدیک کنیم، حتی اگر افراد ناآگاه، از جابه‌جاکردن یک کوه هم سخت‌تر است.



روزهای شادهموطنان مسیحی

ویرتین‌هایی پر از ستاره و گوی‌های رنگی طلایی و تیره‌ای و سبزه‌ و زرد و بنفش، ریشه‌ها و چراغ‌های فانتزی، مجسمه‌ها و عروسک‌های بابانوئل و گوزن‌های سورت‌کش و آدم‌برفی‌های فانتزی‌تزیین شده، انواع حیوانات فانتزی با لباس‌های زمستانی و یا شمع‌های کوچک و بزرگ زیبا، جلوه‌ای دیگر به ویرتین مغازه‌ها و خیابان‌ها بخشیده و ترانه‌های تبریک سال نوی میلادی هم که جای خود دارد. ما هم این ایام را به هموطنان مسیحی‌مان تبریک می‌گوییم.



«عکس نوشت»

|||||

این روزها که مردم در همه‌جای دنیا با رنگ و لعاب کریسمس، به استقبال زمستان رفته‌اند، تهران هم -خاصه در محله‌های ارمنی‌نشینی مثل میدان ونک، پاساژهای بزرگ شهر، خیابان جمهوری، سعدی، نارمک و میرزای شیرازی- حال و هوایی کریسمسی دارد و بیشتر مغازه‌های آن اطراف، بورس عمده خرید سال نو میلادی شده است.

بحث داغ شبکه‌های اجتماعی

مردم چشم انتظار همدلی برای رونق اقتصاد

شما که کلا هیچ کاری جز فحش دادن به ما‌ها ندارین، باید بدونم چیکار کردین برای این کشور؟» محمود صادقی، نماینده مجلس هم در توئیتر خود نوشت: «اگر اعتراضات مردمی سازمانده‌ی هم شده باشد، مسئولان دولتی باید پاسخگو باشند. به جای پاسخگویی، به تئوری توطئه پناه نبریم. برگزاری راهپیمایی بدون حمل سلاح، از حقوق اساسی مردم است. دولت باید در عمل به حقوق اساسی مردم احترام بگذارد، نه در شعار و ایجاد تشکیلات غیرضرور معاونت حقوق شهروندی.» کاربری به نام کوثر فرهادی هم به روحانی چنین پیشنهادی داده است: «آقای روحانی! کسری بودجه را درک کردیم، این بهترین فرصت است تا به پشتوانه همین اعتراضات، با برخی ریخت‌پاش‌های مالی و ردیف‌های بی‌حساب و کتاب در #بودجه۹۷ مقابله کنید و تهدید را به فرصت تبدیل کنید.»

رشنالیست هم از کاربران توئیتر، نظری به این شرح داده است: «این اعتراضات، اگر ما رو مجبور به انجام اصلاحات ساختاری بکنه، خیلی هم خوب و مفیده...» علی دادبی اقتصاددان هم در تحلیل اعتراضات و پیشینه و ریشه آنها نوشته است: «اعتراضات اخیر، نتیجه عملکرد دولت فلی نیست؛ بلکه نتیجه اثباتش هزینه‌ها و انتظار برای تغییر برخی رویه‌ها است. برای پاسخگویی، سیاست‌گذاری لازم است و نه سیاست‌زدگی. استفاده سیاسی از معضلات اقتصادی مردم، نتیجه‌ای جز اضافه‌کردن به مشکلات نداشته است و کاش جناح‌های سیاسی کشور، به این موضوع رسیده باشند.»

مرتضی روحانی به روحانیان حاضر در توئیتر به عدم پوشش خبری اعتراضات در رسانه ملی انتقاد کرد و نوشت: «هرچی فکر می‌کنم درباره آدمی که خنده دو تا مجری خارجی رو توی اخبار می‌ذاره اما اعتراضات مردم مالباخته رو نه، به جمع‌بندی نمی‌رسم! صادقانه بگم گمانم بر اینکه که تعدادی به ظاهر مسئول و به ظاهر انقلابی، می‌خواهند مردم را به ستوه بیاورند.»

کاربری به نام ریحانه جوادی هم درباره علت‌ها و جزئیات این اعتراضات، این‌طور نوشت: «انگار هیچی نداریم برای تحلیل: نه آمار درست از وضعیت اقتصادی در بیست سال گذشته، نه داده قابل اتکا از وضعیت اجتماعی، نه نظرسنجی مداوم از وضعیت سیاسی و رضایت مردم، نه حتی کسی این روزها می‌ره به شکل نظام‌مند و روش‌مند، مطالعه میدانی کنه اعتراضات رو.»

خارجی یا اپوزیسیون و مخالفان سیاسی نظام از این اعتراضات اشاره کردند و مطالبی را نوشتند. سهند ایرانمهر، در توئیتر خود این‌طور نوشت: «حوادث اخیر، عربستان را به صرافت انداخته است تا با عراق در کارآمدی سیاست‌های محمدبن سلمان، اعتراض‌ها در ایران را نتیجه تحقق وعده او مبنی بر انتقال تش به داخل خاک ایران معرفی کند.» دونالد ترامپ در حمایت از این اعتراضات نوشت: «همین آقای ترامپ که امروز در حمایت از مردم ایران و اعتراض مسالمت‌آمیز توییت می‌زند، حدود سه ماه پیش «همین مردم» و کشورشان را «شیطان»، «سرکش» و «تروریزست» توصیف کرد.»

نادر فتوره‌چی هم در توییتی این‌طور نوشت: «سال ۲۰۰۹، دولت آمریکا، جنبش موسوم به اشغال وال استریت (۹۹ درصدی‌های فقیر علیه یک‌درصدی‌های ابرپولدار) را در واشنگتن، شیکاگو و نیویورک سرکوب کرد. اکنون نماد یک‌درصدی‌ها (ترامپ) از اعتراضات مردمی حمایت کرده است...»

علی پیرحسینلو هم در چند توییت، تحلیل خود را این‌طور ارائه داد: «ظاهرا همه جریان‌های سیاسی دارای هویت، از سبز تا دلاویس، هم‌نظرند که اعتراض، یک حق است و #بروحانی باید #صدای مردم را بشنود. به نظرم دولت در اولین قدم، با #تغییر_بودجه_به_نفع_مردم می‌تواند نشان دهد که #مردم را انتخاب کرده است. معترضان اخیر خیابانی، نه سبزه‌ند و نه دلاویس. حتی موج عبور از روحانی هم نیستند، قرائن نشان می‌دهد آنها معترض به فساد و بی‌عدالتی هستند که این روزها گویی سخنگویی در عرصه سیاسی ندارد... اما هرچه باشند، برانداز نیستند. به قولی، برانداز کسانی‌اند که از جیب مستضعفان و فقرا فسادهای عظیم ایجاد کردند.»

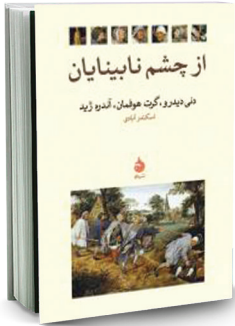
حسن اسدآبادی زیدآبادی هم چنین نظری دارد: «تجمعات مسالمت‌آمیز، هیچ‌گاه تهدیدی علیه #امنیت ملی نخواهد بود. آنچه امنیت و نظام را تهدید می‌کند، سرکوب این تجمعات و ناتوانی در مدیریت دموکراتیک خشم مردم است.»

کاربر دیگری هم با اشاره به طعنه‌های مخالفان شرکت در انتخابات، این‌طور نوشت: «به زور می‌خوان بگن ما پشمانیم، بابا ما پشیمان نیستیم، ما فعال اجتماعی هستیم. نسبت به چیزایی که جلومونه فعالیت می‌کنیم، باید رای می‌دادیم، دادیم. باید اعتراض کنیم، اعتراض می‌کنیم.

«معرفی کتاب»

|||||

«از چشم نابینایان» کتابی است متشکل از چند مقاله از «آندره ژید»، «دنی دیدرو» و «گرت هوفمان» با ترجمه «اسکندر آبادی» و تصحیح و ویرایش علی امینی‌نجفی که نشر «ماهی» به تازگی آن را چاپ کرده است. این کتاب، درباره نابینایی است که در چهار بخش گردآوری شده؛ بخش اول، رساله‌ای است از دنی دیدرو، فیلسوف نامدار دوران روشنگری، که در آن به شکل ویژه به نابینایی و جوانب مختلف آن پرداخته است؛ نام این رساله «نامه‌ای درباره نابینایان برای آگاهی بینایان». بخش دوم داستان، سقوط کوران است، نوشته گرت هوفمان، که گوشه‌ای از تاریخ هنر را دستمایه قرار داده و روند شکل‌گیری تابلوی معروفی از پیتر بروکل را با ظرافت بازگو کرده است. متن سوم، مربوط به داستان سمفونی پاستورال آندره ژید است که قصه زندگی دخترکی نابینا را بازگو می‌کند و از مشهورترین آثار این نویسنده فرانسوی به شمار می‌رود.



«هشتگ»

«صدرا محقق»



اعتراضات هفته گذشته در شهرهای مختلف کشور -که از شهر مشهد شروع شد- همان‌طور که انتظار می‌رفت، به شکلی دامنه‌دارتر در فضای شبکه‌های اجتماعی به موضوع و محور بحث‌های اصلی تبدیل شد. هنوز تحلیل و آمار و دلایلی قطعی از علت اعتراضات منتشر نشده است. بسیاری آن را ناشی از وضعیت بد اقتصادی و معیشتی و بیکاری می‌دانند اما برخی دیگر این نظر را قبول ندارند. با این حال، بحث‌ها در این‌باره همچنان در شبکه‌های اجتماعی ادامه دارد.

مثلا کاربری به نام «زنو» در توییتی نظر خود در این‌باره را این‌طور نوشته است: «من مطمئن نیستم هر تظاهراتی که مطالبات اقتصادی داره یا علیه تورم و گرونی، از طرف فرودستان باشه. کاش یک نفر که مطمئنه، شواهدش رو معرفی کنه. تورم و گرونی می‌تونه مسئله طبقه متوسط باشه، مالباختگی بانکی هم همین‌طور.» کاربران دیگر اما نظرات دیگری داشتند. آسیه باکری، در توئیتر خود درباره این اعتراضات این‌طور نوشت: «این حرف که اعتراض مردم به دولت سازماندهی شده است، به اندازه وقتی که اعتراضات رو وابسته به خارج می‌دونستن، خنده‌داره! یک بارم که شده، به جای اینکه بگیم مردم خودشون عقل ندارن، یکی گول شون زده، بریم ببینیم دردشون چیه که اعتراض می‌کنن؟ اگه کاری ازمون برنماید، توضیح بدیم؛ صورت مسئله رو پاک نکنیم.» کاربری به نام احمد دستاران هم نوشت: «اعتراض، حق قانونی مردم، حتا اگه شرعی هم بهش نگاه کنیم؛ مردم دارن مسئولان رو به خاطر وضعیت موجود، نهی از منکر می‌کنن، به بهونه شیطنت یه عده اپوزوسیون کینه‌توز و ورشکسته، حرف مردم رو نشنیده نگیریم.» کاربر دیگری به نام آسید که از کاربران اصولگرای توئیتر است هم این‌طور نوشت: «همه حرف اینجاست که #مردم_گله_مندند و به‌حق به وضعیت فعلی اقتصاد اعتراض دارند. اما شیوه فعلی اعتراضات که خارج از چارچوب‌های متعارف قانونی ست، سبب گم‌شدن اصل اعتراضات که معیشتی است، خواهد شد و جنبه‌های سیاسی بی‌ارزش را پررنگ خواهد کرد.. این‌طور، عملا اعتراضات هم به نتیجه نخواهد رسید.» در این بین، کاربران زیادی هم به سوءاستفاده کشورهای